

معاونت پژوهشی

چشم انداز اقتصاد جهان تا سال ۲۰۵۰
گزارش مجله اکونومیست

۲۱ تیرماه ۱۳۹۴



معاونت پژوهشی

چشم‌انداز اقتصاد جهان تا سال ۲۰۵۰

گزارش مجله‌ی اکونومیست



نویسنده :

گروه مطالعات بین‌الملل

معاونت پژوهشی

تاریخ گزارش :

۲۱ تیرماه ۱۳۹۴



چکیده

گزارش حاضر پیش‌بینی واحد اطلاعات مجله‌ی اکونومیست از چشم‌انداز اقتصادی جهان تا سال ۲۰۵۰ می‌باشد. اقتصاد جهان تا سال ۲۰۵۰، شاهد تغییرات عمده‌ای در ترکیب قدرت‌های برتر اقتصادی دنیا خواهد بود. مقایسه‌ی تولید ناخالص داخلی اسمی کشورها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۵۰، اقتصاد چین بزرگترین اقتصاد جهان است و بعد از آن آمریکا، هند و اندونزی قرار دارند. بر طبق پیش‌بینی‌های بلندمدت اکونومیست، در سال ۲۰۵۰ در بین ۱۰ اقتصاد برتر، کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی مانند آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه به جایگاه پایین‌تری نسبت به جایگاه کنونی خود خواهند رسید و کشورهای در حال توسعه‌ای مانند هند، اندونزی، برزیل و مکزیک به مراتب بالاتری صعود می‌کنند. همچنین کشورهای ایتالیا و روسیه در بین ۱۰ اقتصاد برتر حضور نخواهند داشت. این گزارش نشان می‌دهد که کشورهای منطقه‌ی آسیا همچنان به رشد افزایشی خود ادامه می‌دهند و سهم کشورهای آسیایی از تولید ناخالص جهانی در سال ۲۰۵۰ به ۵۳ درصد می‌رسد. بر طبق این پیش‌بینی، در سال ۲۰۵۰، ثروت هر کدام از سه اقتصاد برتر دنیا یعنی چین، آمریکا و هند بیشتر از مجموع ثروت ۵ اقتصاد برتر دیگر خواهد بود که این موضوع حاکی از نقش پررنگ‌تر کشورهای چین و هند در مسائل بین‌المللی خواهد بود.

همچنین در این گزارش نشان داده می‌شود که متوسط نرخ رشد جمعیت تا سال ۲۰۵۰ کاهش قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت به طوری که از نرخ ۱٫۳ درصد سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۴ به ۰٫۵ درصد در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۵۰ می‌رسد که این امر در کاهش متوسط نرخ رشد اقتصادی مناطق مختلف جهان موثر خواهد بود. با این وجود در بسیاری از کشورهای آفریقایی و خاورمیانه میزان جمعیت در سال ۲۰۵۰ بیشتر از سال ۲۰۱۴ خواهد بود که این افزایش جمعیت چنانچه با ایجاد اشتغال همراه گردد می‌تواند منجر به رشد اقتصادی پایدار و بالا در بلندمدت برای این کشورها شود. در مقابل، بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیای شرقی بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۵۰ با کاهش میزان جمعیت و به دنبال آن کاهش میزان نیروی کار مطلوب مواجه خواهند شد که یکی از تبعات آن کاهش جمعیت نیروی کار و احتمال تغییر رویکرد این کشورها در قوانین مهاجرتی خواهد بود.

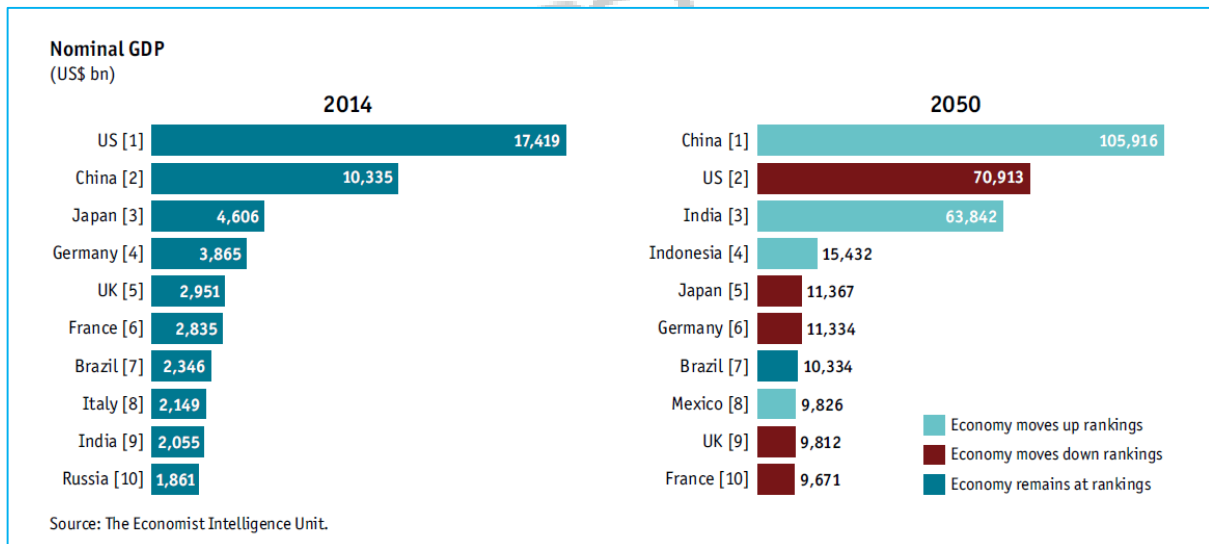
در نهایت نشان داده می‌شود که درآمد سرانه‌ی اقتصادهای پیشرفته کنونی در سال ۲۰۵۰ همچنان بیشتر از اقتصادهای نوظهور خواهد بود، در واقع با وجود اینکه کشورهایی چون چین و هند جایگاه اول و سوم را بین ۱۰ اقتصاد برتر دارند اما از نظر درآمد سرانه به چین رتبه‌ای دست نخواهند یافت گرچه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نسبت به وضعیت کنونی خواهند داشت.



۱-۱۰ قدرت برتر اقتصادی دنیا در سال ۲۰۵۰

انتظار می‌رود اقتصاد چین تا سال ۲۰۵۰ بزرگترین اقتصاد دنیا باشد. بر طبق پیش‌بینی واحد اطلاعات مجله اکونومیست^۱، مقایسه‌ی مقدار تولید ناخالص داخلی اسمی قدرت‌های برتر اقتصادی در سال ۲۰۱۴ با مقدار پیش‌بینی شده‌ی آن در سال ۲۰۵۰ نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی اسمی چین به دلار، در سال ۲۰۲۶ از تولید ناخالص داخلی اسمی آمریکا پیشی می‌گیرد. همچنین در سال ۲۰۵۰ اقتصاد هند، با متوسط رشد سالانه ۵٪، سومین جایگاه را در لیست ۱۰ اقتصاد برتر دنیا خواهد داشت، اندونزی و مکزیک که جایگاه پانزدهم و شانزدهم را در سال ۲۰۱۴ دارند به جایگاه چهارم و هشتم خواهند رسید. نماینده‌های اقتصادهای غربی همچنان در بین ۱۰ اقتصاد برتر دنیا حضور خواهند داشت اما جایگاه کنونی خود را از دست می‌دهند. ایالات متحده‌ی آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه همچنان در بین ۱۰ اقتصاد برتر خواهند بود اما به ترتیب از جایگاه اول، چهارم، پنجم و ششم به جایگاه دوم، ششم، نهم و دهم خواهند رسید. همچنین کشورهای ایتالیا و روسیه در بین ۱۰ اقتصاد برتر دنیا حضور نخواهند داشت.

شکل (۱): بررسی تولید ناخالص داخلی اسمی



۲- ادامه رشد آسیا

بر طبق این پیش‌بینی کشورهای منطقه‌ی آسیا همچنان به رشد خود ادامه می‌دهند. از نیمه‌ی قرن بیستم رشد اقتصادی کشورهای چین و ژاپن و کره‌ی جنوبی سرعت گرفت، از ابتدای هزاره‌ی سوم رونق دیگری بین کشورهای آسیایی به وجود آمد و دیگر کشورهای آسیایی نیز شروع به رشد کردند به طوری که سهم کشورهای آسیایی از تولید ناخالص جهانی^۲، از ۲۶ درصد در

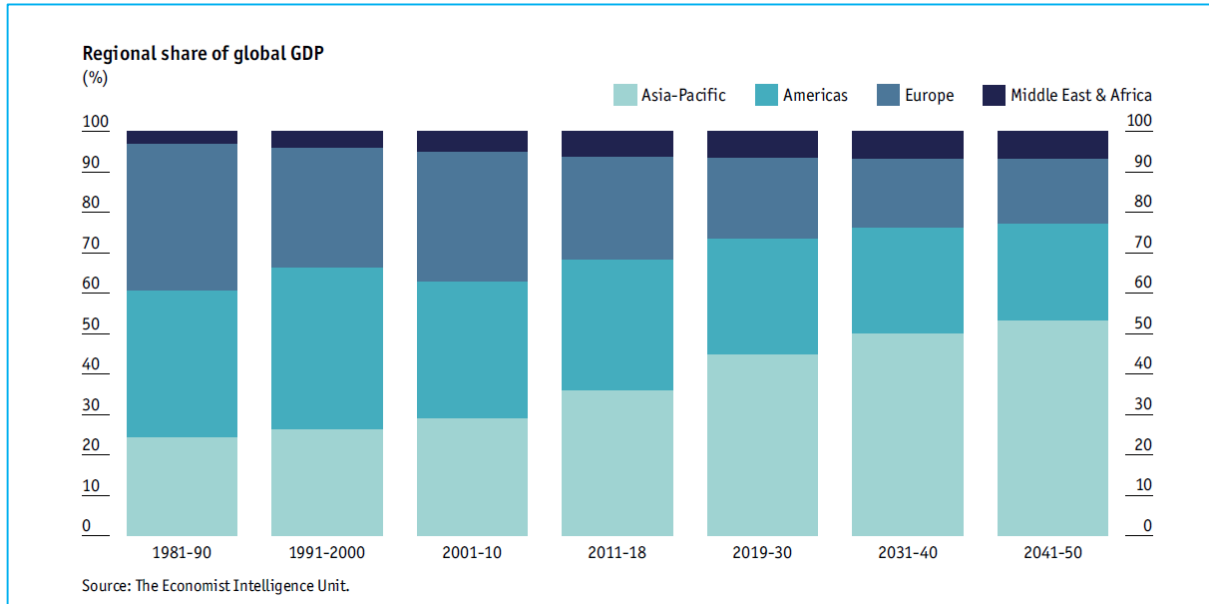
¹The Economist Intelligence Unit

² Global GDP



سال ۲۰۰۰ به ۳۲ درصد در سال ۲۰۱۴ رسید. بر طبق این پیش‌بینی بلندمدت، آسیا همچنان به رشد افزایشی خود ادامه می‌دهد و در سال ۲۰۵۰، ۵۳٪ از تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل خواهد داد.

شکل (۲): سهم تولید ناخالص مناطق مختلف دنیا از تولید ناخالص جهانی



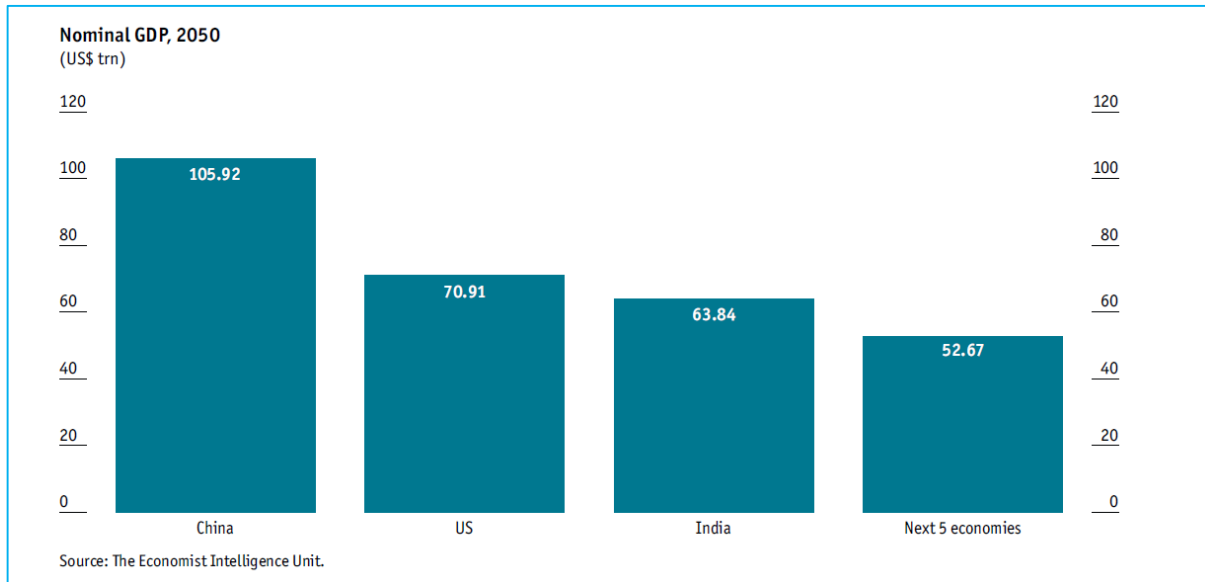
۳- سلطه‌ی جهانی سه قدرت برتر اقتصادی

تا سال ۲۰۳۰، سه اقتصاد برتر دنیا، آمریکا و چین و هند خواهند بود، و در سال ۲۰۵۰، ثروت هر کدام از این سه کشور به تنهایی بیشتر از مجموع ثروت ۵ اقتصاد برتر دیگر خواهد بود (یعنی مجموع ثروت کشورهای اندونزی، آلمان، ژاپن، برزیل و انگلیس). این موضوع الگوی جدیدی از توزیع ثروت در دنیا را نشان می‌دهد.

بنابراین کشورهای چین و هند نقش بسیار پررنگ‌تری را در مسائل بین‌الملل مثل تغییرات آب‌وهوایی، امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی خواهند داشت. گرچه باید دید که در میان مدت قدرت‌های حال حاضر دنیا به خصوص آمریکا این فرصت را به چین و هند می‌دهند که نقش بیشتری را در تعاملات بین‌المللی داشته باشند یا خیر.



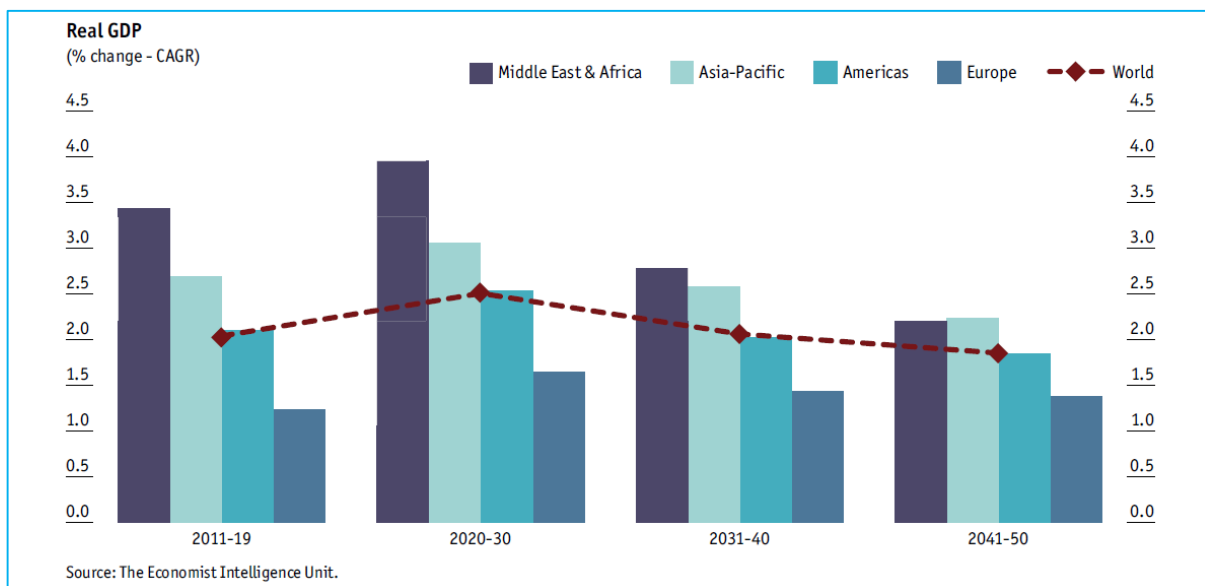
شکل (۳): مقایسه‌ی تولید ناخالص داخلی اسمی قدرتهای اقتصادی در سال ۲۰۵۰



۴- دوره‌ی جدیدی از کاهش جمعیت در جهان

بر طبق این پیش‌بینی نرخ رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۵۰ چندان پایین‌تر از مقدار متوسط خود در تمام دوره‌ها نمی‌باشد اما همانطور که شکل (۴) نشان می‌دهد نرخ رشد اقتصادی در مناطق مختلف جهان از سال ۲۰۳۰ شروع به کاهش می‌کند. یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش نرخ رشد، کاهش نرخ رشد جمعیت می‌باشد.

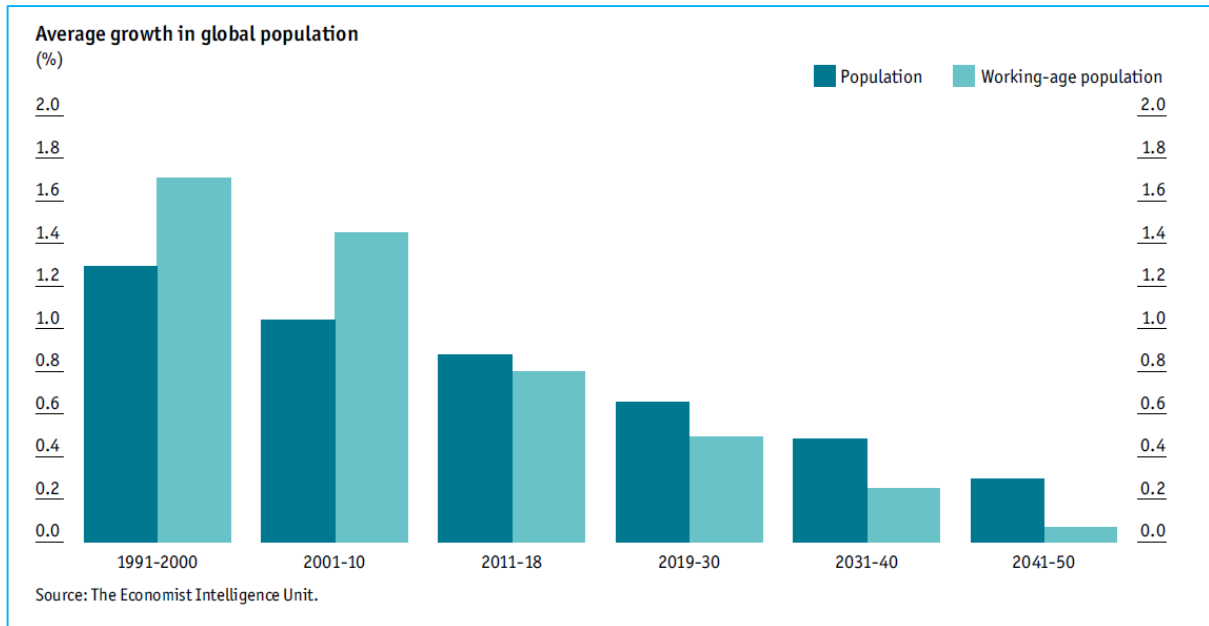
شکل (۴): بررسی و مقایسه‌ی نرخ رشد اقتصادی در مناطق مختلف دنیا





نیروی کار و موجودی سرمایه به همراه بهره‌وری کل، عوامل لازم برای به وجود آوردن رشد اقتصادی پایدار هستند. عامل نیروی کار از محرک‌های اصلی نرخ رشد اقتصادی دنیا طی دهه‌های اخیر بوده‌است اما تخمین بلندمدت نرخ جمعیت نشان می‌دهد که کاهش شدیدی در متوسط نرخ رشد جمعیت جهان به وجود خواهد آمد. متوسط نرخ رشد جمعیت جهان که در دوره‌ی ۱۹۸۰-۲۰۱۴، ۱٫۳ درصد بوده است در دوره‌ی ۲۰۱۵-۲۰۵۰ به ۰٫۵ درصد می‌رسد. که به تبع آن نرخ رشد جمعیت در سن کار نیز کاهش می‌یابد و از ۱٫۷ درصد در دوره‌ی ۱۹۸۰-۲۰۱۴ به ۰٫۳ درصد در دوره‌ی ۲۰۱۵-۲۰۵۰ می‌رسد.

شکل (۵): متوسط نرخ رشد جمعیت جهان

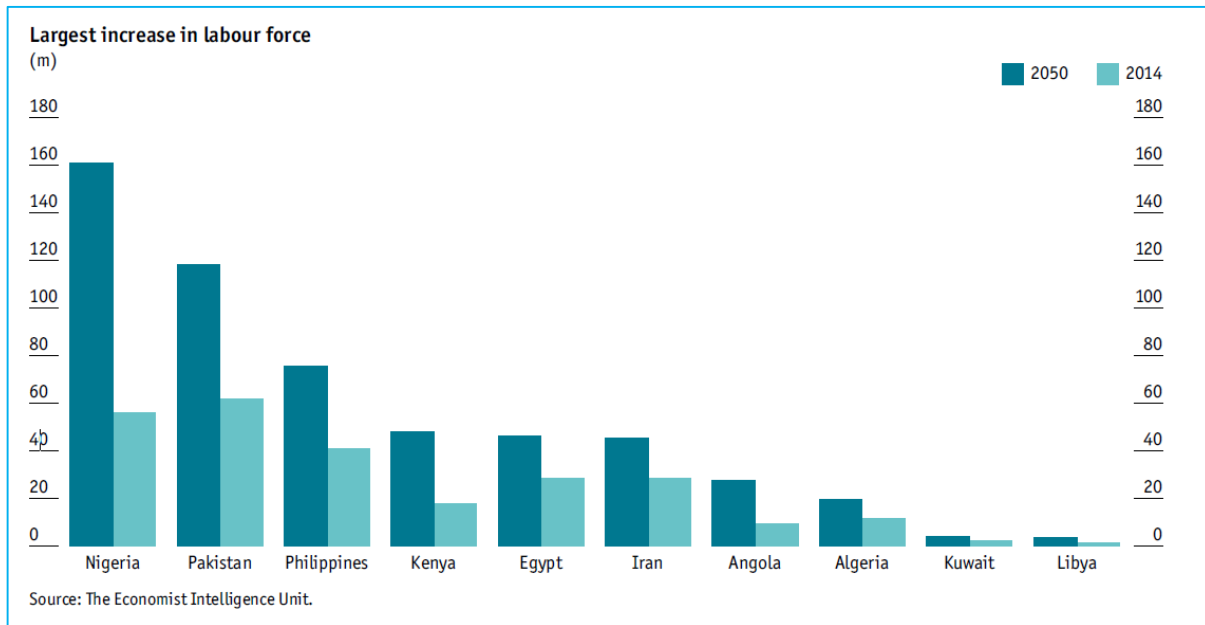


۵- رشد جمعیت همچنان سودآور خواهد بود

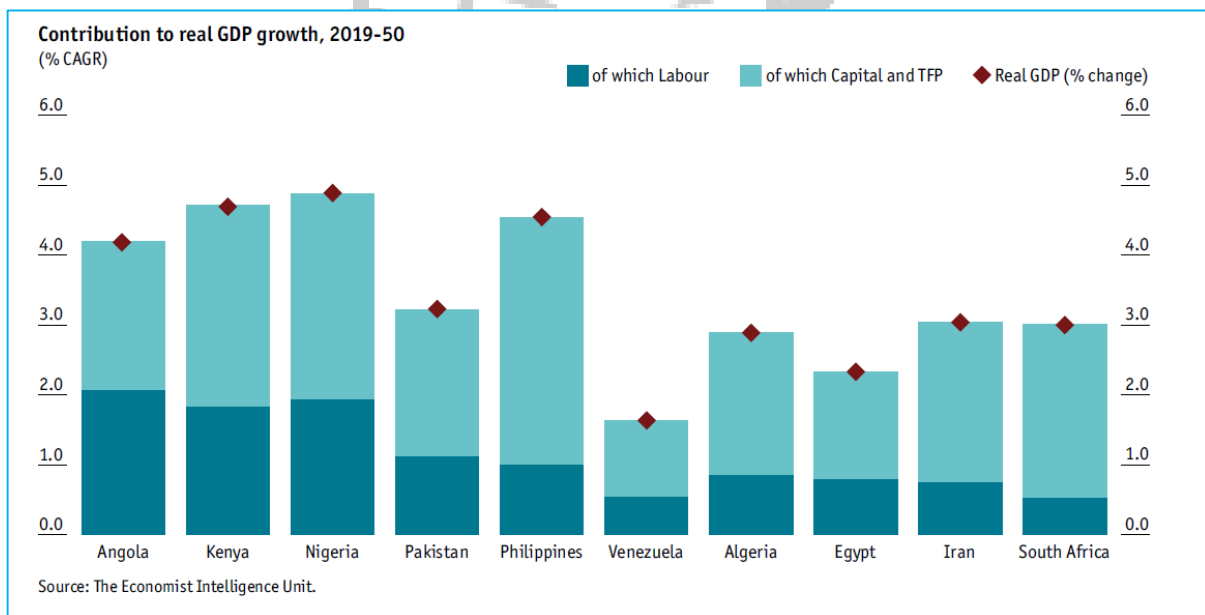
با وجود آنچه که در بخش قبل در مورد کاهش نرخ جمعیت در سن کار در جهان گفته شد، در بسیاری از کشورهای آفریقایی و خاورمیانه، افزایش جمعیت در سن کار همچنان تضمین‌کننده‌ی نرخ رشد بالای اقتصادی در بلندمدت است. نرخ رشد جمعیت در سن کار در کشورهای کنیا، آنگولا و نیجریه، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۵۰، سه برابر خواهد شد همچنان که در کشورهای مصر، الجزایر و ایران و دو برابر خواهد گردید.



شکل (۶): مقایسه‌ی اندازه‌ی جمعیت نیروی کار بین کشورهای دارای بیشترین میزان جمعیت نیروی کار



شکل (۷): سهم محرک‌های رشد اقتصادی از میزان رشد



در اغلب این کشورها، داشتن میزان جمعیت بالا عامل مهمی در پیش‌بینی نرخ رشد بالا در بلندمدت است. در واقع داشتن این میزان جمعیت از مزیت‌های اقتصادی این کشورها است که موجب رشد پایدار با نرخ بالا می‌شود.



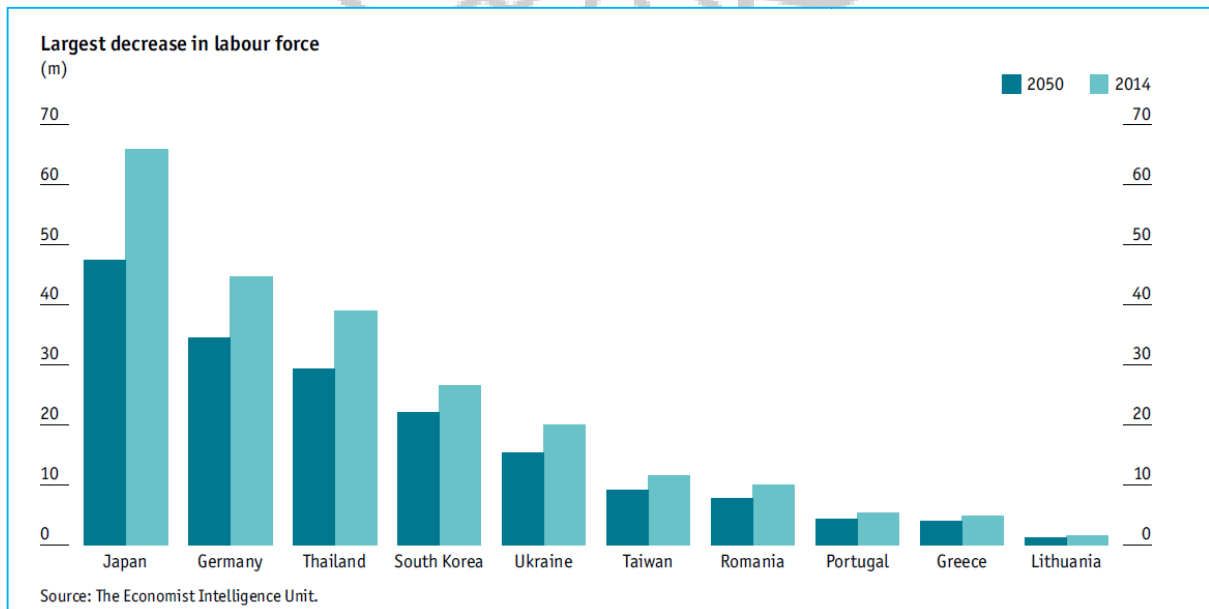
اصلی‌ترین دلیل داشتن جمعیت بالا، افزایش نرخ زاد و ولد در این کشورها است که عرضه‌ی نیروی کار را تضمین می‌کند. همچنین این کشورها توانایی این را دارند که با افزایش نرخ مشارکت نیروی کار از طریق افزایش مشارکت بیشتر زنان در بازار کار و یا بالا بردن سن بازنشستگی، عرضه‌ی نیروی کار را افزایش داده و رشد اقتصادی را تضمین کنند.

گرچه باید خاطر نشان کرد که در این پیش‌بینی فرض می‌شود کشورهای مذکور در ایجاد شغل برای جمعیت در سن کار موفق هستند و این موضوع سبب رشد پایدار در بلندمدت می‌شود. اما اگر این کشورها در ایجاد شغل برای نیروی کار موفق نباشند، مزیت داشتن جمعیت بالا تبدیل به تهدیدی برای اقتصاد از طریق بروز ناآرامی در فضای سیاسی خواهد شد.

۶- تغییر عامل نیروی محرک رشد در بسیاری از کشورها

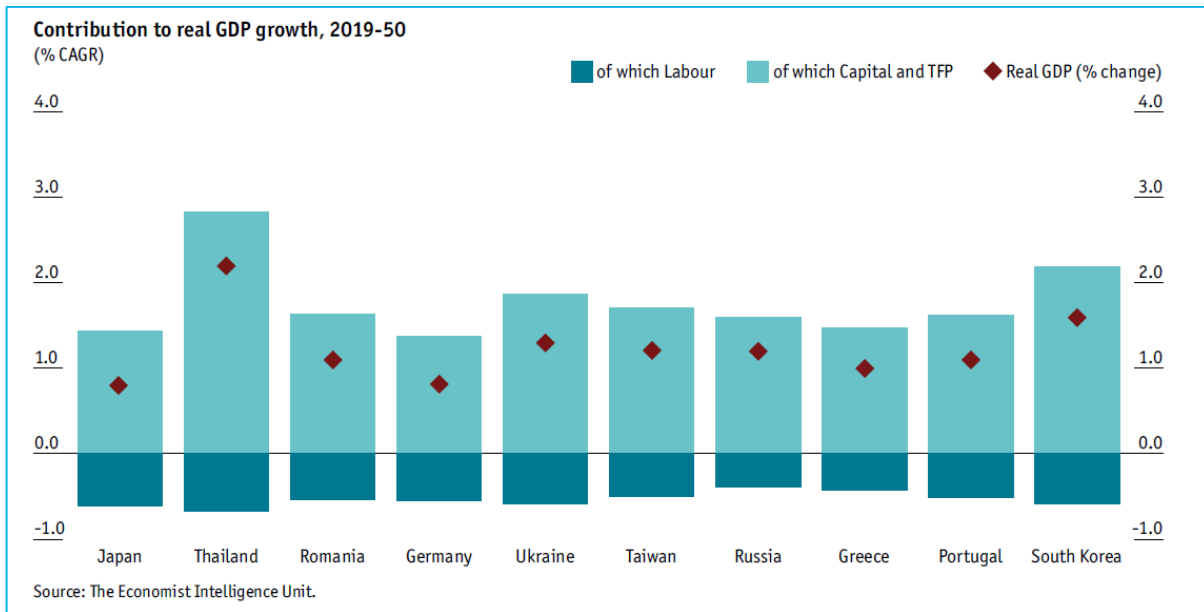
بر طبق این پیش‌بینی بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیای شرقی بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۵۰ با کاهش جمعیت نیروی کار مواجه خواهند شد که معضلی برای رشد اقتصادی این کشورها خواهد بود. ژاپن بیشترین کاهش را در بین کشورها خواهد داشت، جمعیت نیروی کار این کشور از ۶۶ میلیون نفر به ۴۷ میلیون نفر خواهد رسید که در واقع بیش از یک چهارم جمعیت نیروی کار کنونی خود را از دست خواهد داد. انتظار می‌رود که چین و کره‌ی جنوبی نیز حدود ۱۷ تا ۱۸ درصد کاهش در جمعیت نیروی کار داشته‌باشند. در بین کشورهای اروپایی، یونان، پرتغال و آلمان، کاهش جمعیت نیروی کار، بیش از یک پنجم جمعیت نیروی کار کنونی خواهد بود. همچنین کاهش جمعیت نیروی کار در اقتصادهای نوظهور اروپا مانند ترکیه و قزاقستان، حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد خواهد بود.

شکل (۸): مقایسه‌ی اندازه‌ی جمعیت نیروی کار بین کشورهای دارای کمترین میزان جمعیت نیروی کار





شکل (۹): سهم محرک‌های رشد اقتصادی از میزان رشد



سیاست‌هایی که برای افزایش نرخ مشارکت در این کشورها اتخاذ می‌شود می‌تواند تا حدودی اثر منفی کاهش جمعیت را کم کند اما این سیاست‌ها کافی نیست. به منظور جذب نیروی کار بیشتر در این کشورها سیاست‌های مهاجرتی در دستور کار دولت‌ها قرار خواهد گرفت. در واقع این کشورها در آینده برای جذب نیروی کار نیاز به تسهیل قوانین و مقررات مهاجرتی خواهند داشت.

با توجه به کاهش نرخ جمعیت در سن کار، این کشورها باید جایگزینی برای عامل نیروی کار قرار دهند. بنابراین توانایی کشورها برای جایگزینی عامل نیروی کار به عنوان یکی از محرک‌های رشد اقتصادی قابل اهمیت است. برای برخی از کشورها که رشد اقتصادی را با سرمایه‌ی اولیه‌ی کمی آغاز کردند، سرمایه‌گذاری بیشتر و "سرمایه‌بر" تر شدن اقتصاد می‌تواند عامل محرک جدیدی برای رشد اقتصادی باشد. در واقع این کشورها هنوز می‌توانند با انتقال اقتصاد از تولید با تکنولوژی و سرمایه کمتر به سمت تولید با تکنولوژی و سرمایه‌ی بیشتر، داشتن رشد اقتصادی بالا را تضمین کنند.

اما برای اغلب کشورهای توسعه یافته که در حال حاضر رشد اقتصادی وابسته به سرمایه و بهره‌وری کل عوامل دارند، جایگزینی برای عامل نیروی کار سخت‌تر می‌باشد زیرا اقتصاد این کشورها از نظر میزان سرمایه در حد بسیار بالایی است. بنابراین باید با تمرکز بیشتر بر روی افزایش بهره‌وری به طور مثال سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش تحقیق و توسعه (R&D) - رشد اقتصادی بالا و پایدار را تضمین کنند.

۷- در مجموع ثروتمند، به طور فردی نه چندان ثروتمند

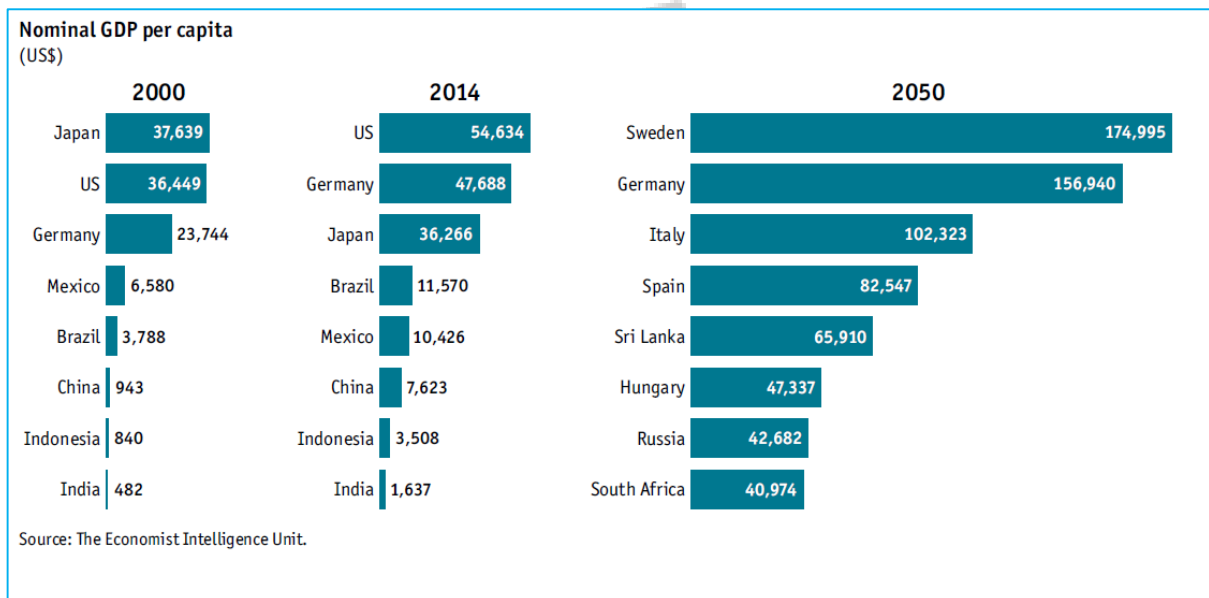
همچنان که انتظار می‌رود اقتصادهای نوظهور با آهنگ بیشتری از اقتصادهای پیشرفته رشد خواهند کرد، بنابراین با در نظر گرفتن سرعت رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی می‌شود که چین و هند، جایگاه قدرت‌های اقتصادی حال



حاضر دنیا یعنی آمریکا و ژاپن را تصاحب کنند. همچنین اقتصادهای نوظهوری مانند اندونزی و مکزیک در بین ۱۰ قدرت برتر اقتصادی جهان قرار خواهند گرفت درحالیکه روسیه و ایتالیا جایگاه خود را بین ۱۰ اقتصاد برتر از دست خواهند داد.

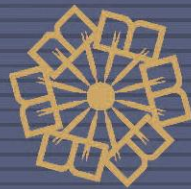
با این وجود درآمد سرانه اقتصادهای پیشرفته‌ی کنونی در سال ۲۰۵۰ همچنان بیشتر از اقتصادهای نوظهور خواهد بود. چون در کشورهای نوظهور و در حال توسعه سرعت افزایش رشد جمعیت نیز به مانند سرعت افزایش رشد تولید ناخالص داخلی بالا خواهد بود، بنابراین با وجود اینکه کشورهایی چون چین و هند جایگاه اول و سوم را در رشد تولید ناخالص داخلی دارند اما از نظر درآمد سرانه به چنین رتبه‌ای دست نخواهند یافت گرچه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای خواهند داشت. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ درآمد سرانه‌ی در چین بیشتر از ژاپن باشد. درآمد سرانه در هند که در سال ۲۰۱۴، ۳ درصد درآمد سرانه‌ی یک مصرف‌کننده‌ی آمریکایی بود به ۲۴ درصد درآمد سرانه آمریکا خواهد رسید. همچنین مقایسه‌ی بین درآمد سرانه در چین و آمریکا نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۴ درآمد سرانه یک فرد چینی ۱۴ درصد درآمد سرانه یک آمریکایی است؛ در سال ۲۰۵۰ این عدد به ۵۰ درصد می‌رسد.

شکل (۱۰): مقایسه‌ی درآمد سرانه‌ی قدرت‌های برتر اقتصادی در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۵۰



• منبع

- (2015) [Long-term macroeconomic forecasts - Key trends to 2050 .A special report from The Economist Intelligence Unit.](#)



نشانی: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، جمال آباد، خیابان شهید مختار عسکری، شماره ۶

تلفن: ۲-۲۲۸۰۱۹۰۰